

تحلیل سبک‌شناختی چند حکایت گلستان در پرتو دستور نقش‌گرای نظام‌مند هالیدی

معصومه مهربانی^۱، آرمان ذاکر^۲

۱. استادیار زبان‌شناسی، دانشگاه آیت‌الله العظمی بروجردی، لرستان، ایران

۲. استادیار زبان‌شناسی، دانشگاه آیت‌الله العظمی بروجردی، لرستان، ایران

پذیرش: ۹۲/۶/۲۲

دریافت: ۹۲/۳/۲۳

چکیده

در این مقاله، با به‌کار بستن رویکرد نقش‌گرای نظام‌مند هالیدی بر داده‌های زبانی چند حکایت از گلستان سعدی، سعی شده است که به این پرسش‌ها پاسخ داده شود: در سبک‌شناسی حکایات مورد نظر که به‌طور اتفاقی انتخاب شده‌اند، چه عناصر زبانی برجسته شده‌اند و از چه فرآیند تجربی در هر حکایت بیشتر استفاده شده است؟ دلیل کاربرد آن فرانش در آن داستان چیست و آیا نوع فرانش تجربی مضمون مطرح را برجسته‌سازی می‌کند؟ فرضیه این پژوهش این است که مضامین مطرح در این حکایت با صورت زبانی به‌کار رفته در آن‌ها ارتباط نزدیک دارد؛ به سخن دیگر، مضامین مورد نظر نویسنده در صورت زبانی، برجسته‌سازی شده‌اند. پس از تحلیل آماری داده‌ها این نتیجه حاصل شد که مضمون مورد نظر نویسنده در حکایت‌ها با نوع فرآیند تجربی و فرانش ارتباطی متبلور در افعال جملات از نظر بسامدی ارتباط دارد؛ اما تفاوت معنی‌دار میان فرآیندهایی که مستقیماً با مضمون مرتبط هستند و انواع دیگر فرآیندها تنها در نمونه‌های بزرگی که تعداد افعال در آن‌ها بیشتر است قابل مشاهده است.

واژگان کلیدی: دستور نقش‌گرای نظام‌مند، فرانش، مضمون، سبک، داستان‌های گلستان.

۱. مقدمه

در این مقاله، با استفاده از رویکرد نقشی نظام‌مند هالیدی و به‌کارگیری روش کمی مورد نظر او، علل زیبایی چند حکایت از گلستان سعدی را بررسی می‌کنیم. پرسش اصلی این است که آیا قرابتی میان مضمون و برجسته‌سازی زبانی همان مضمون در هر حکایت وجود دارد؛ به سخن دیگر، آیا از نوع و



تعداد فرانش‌های تجربی مطرح در هر داستان به مضمون اصلی می‌توان هدایت شد. فرضیه پژوهش این است که چنین است و مضمون هر داستانی به صورت زبانی و از طریق فرانش‌ها کدگذاری و برجسته‌سازی شده است. با استفاده از روش کمی و آمارهای توصیفی و استنباطی داده‌ها را تحلیل کرده‌ایم.

در زبان‌شناسی نقش‌گرای نظام‌مند^۱، زبان نظامی از نشانه‌های دارای معنی است. صورت^۲ زبانی که به کار می‌رود به جنبه‌های مختلف گفتمانی بستگی دارد. هالیدی (۱۹۹۴) معتقد است که این چارچوب نظری را می‌توان در تحلیل شاخه‌ای از گفتمان به کار برد که در گذشته سبک‌شناسی نامیده شده است. هم‌سبک‌شناسی را مطالعه نظام‌مند شیوه‌های معنی‌سازی توسط ابزارهای زبانی در ادبیات می‌داند (Hamel, 2011: 255). بات و لوکین (۲۰۰۹) نیز معتقدند که کار اصلی تحلیل‌های سبک‌شناسی، بیرون کشیدن صورت سازمان‌بندی‌شده در متون مورد بررسی است. هالیدی و حسن (۱۹۷۶، ۱۹۸۵) نقش تحلیل‌های سبک‌شناختی را پیدا کردن مبنای کمی مناسب برای تحلیل محتوای متون می‌دانند.

۲. پیشینه مطالعات

فرث (۱۹۵۷) با معرفی مفهوم «نظام»، به مکتب نقش‌گرایی قوت بخشید. در نظر او، نظام دسته‌ای از انتخاب‌های جانشینی و یا به عبارت بهتر، تعدادی از گزینه‌های جایگزین‌شونده^۳ است. در نظر هالیدی (۱۹۷۲)، نظام دسته‌ای از انتخاب‌ها و گزینه‌ها است. یادگیری نظام نیاز طبیعی کودک برای وارد شدن به اجتماع است (Firth, 1957: 185). ریچاردز (۱۹۲۹) اولین فردی بود که به زبان ادبیات توجه کرد. پس از توجه او به زبان ادبیات، شاخه‌ای به نام سبک‌شناسی ادبی پدیدار شد. افرادی چون لیچ (۱۹۶۹، ۱۹۸۱) زبان شعر انگلیسی و سبک کاربرد زبان در داستان‌های تخیلی را بررسی کردند. هالیدی (۱۹۷۱) اولین بار از الگوی نقش‌گرایی برای تحلیل سبک‌شناختی رمان و رمان^۴ اثر گلدینگ^۵ استفاده کرد. بررسی ویژگی‌های زبانی آثار ادبی نیز در آثار کامینگز و سیمونز (۱۹۸۳) و همچنین برج و اتول یافت می‌شود. در سال‌های اخیر نیز بونیفاسیوگونانان (۲۰۰۱) از چارچوب نقشی برای تحلیل رمان خانم‌گیری^۶ اثر ویرجینیا وولف^۷ استفاده کرد.

در زبان فارسی، نخستین بار مهاجر و نبوی (۱۳۷۶ الف و ب) زبان ادبی را براساس زبان‌شناسی نقش‌گرا بررسی و در این خصوص الگوی تحلیلی ارائه کرده‌اند. آقاگل‌زاده (۱۳۸۴) برای نخستین بار در اثر خود، با استفاده از نظریه نقش‌گرای هالیدی و الگوی مهاجر و نبوی، زبان ادبی را به صورت موردی تحلیل کرده است. آقاگل‌زاده، زعفرانلو و رضویان (۱۳۹۰) چهار داستان کوتاه فارسی از جلال آل‌احمد و صادق هدایت را براساس نظام‌گذرایی در چارچوب دستور نقش‌گرای هالیدی، تجزیه و تحلیل کردند.

آن‌ها سپس بسامد و درصد وقوع انواع فرآیندها پس از بررسی تمامی افعال موجود در داستان‌ها را به‌عنوان یک شاخص سبکی در نظر گرفتند و تلاش کردند که تفاوت طرز فکر آل‌احمد و هدایت را از این طریق نشان دهند. نبی‌لو (۱۳۹۱) نی‌نامه مولانا را در همین چارچوب نظری، تحلیل کرده است. طبق یافته‌های این مقاله، در نی‌نامه از ۲۱ فرآیند رابطه‌ای، ۱۳ فرآیند مادی، ۷ فرآیند کلامی، ۴ فرآیند ذهنی و ۳ فرآیند رفتاری استفاده شده است. به‌گفته نویسنده این مقاله، مولانا بیشتر از افعال ربطی استفاده کرده است.

در مورد نقد گلستان سعدی، نمونه‌هایی چون نقد روان‌شناختی (نظری و همکاران، ۱۳۹۱)، نقد ساختاری حکایت‌ها (حاجی‌علی‌لو، ۱۳۹۰) و نیز نقد روایت‌شناختی براساس تحلیل گفتمان انتقادی (فلاحی و همکاران، ۱۳۸۹) وجود دارد. نوآوری پژوهش حاضر در استفاده از این چارچوب فکری نوین برای تحلیل معنی‌شناختی گلستان سعدی، به‌مثابه یک اثر کلاسیک فارسی است تا روشن شود که قرابت میان مضمون هر داستان و نوع فرانش متجلی در هر داستان و حکایت تا چه حد است. برای این کار، از آزمون آماری نیز استفاده شده است که در پژوهش‌های پیشین، به‌کار نرفته است.

۳. ملاحظات نظری

تامپسون معتقد است که با شنیدن جمله ۱، به‌راحتی می‌توان دریافت که مخاطب سخنگویی است که خود زبان پیچیده‌ای ندارد و در حال گوش دادن به یک داستان افسانه‌ای^۸ است (Thompson, 1996: 10):

۱. یکی بود، یکی نبود. زیر گنبد کبود یک خرس بزرگ بدجنس بود.

اصول دستور نقش‌گرای نظام‌مند هالییدی به‌طور خلاصه عبارت‌اند از:

۱. در این چارچوب فکری، نقش جملات و معانی آن‌ها یکی است.

۲. در این رویکرد، سه نوع نقش (معنی) زیر وجود دارد که به آن‌ها فرانش^۹ گفته می‌شود:

الف. فرانش تجربی^{۱۰}: به این معنی که از زبان به قصد صحبت درباره تجارب خود از دنیای درون یا بیرون استفاده می‌کنیم و زبان را برای توصیف حوادث، حالات و موجودیت‌های جهانی به‌کار می‌بریم.

ب. فرانش بینافردی^{۱۱}: به این معنی که از زبان برای تعامل با دیگران استفاده می‌کنیم تا با آن‌ها رابطه برقرار و این رابطه را حفظ کنیم، بر رفتارشان اثر بگذاریم، نظر خود را درباره آن‌ها و امور دیگر بیان کنیم و نظر آن‌ها را دریابیم و یا تغییر دهیم.

ج. فرانش متنی^{۱۲}: به این معنی که از زبان برای سازماندهی پیام استفاده می‌کنیم؛ به‌طوری که



نشان دهد چگونه آن پیام به پیام‌های اطرافش و با بافتی که در آن به‌کار رفته است، تناسب دارد (Bloor & Bloor, 2004: 9).

۳. در این رویکرد، منظور از کلمه «دستور»، انطباق میان صورت^{۱۳} و نقش^{۱۴} است و واژه‌پردازی را نقش‌های زبانی تعیین می‌کند.

۴. در این رویکرد، عوامل فرهنگی و اجتماعی تعیین‌کننده نوع زبان به‌کاررفته است.

۵. برای تحلیل نقشی یک جمله در هریک از سطح فرانش‌ها (تجربی، بینافردي و متنی) از سازگار و اصطلاحات خاص خود استفاده می‌کنیم. برای مثال، جمله ۲ در سه سطح زیر تحلیل نقشی شده است:

۲. چه کسی کتاب من را برده است؟

تجربی: چه کسی: کنشگر (مشارک) کتاب: هدف (مشارک) فرآیند

بینافردي: چه کسی: فاعل کتاب من را: متمم گزاره‌نما و برده است: زمان‌داری

متنی: چه کسی: مبتدا بقیه جمله: خبر

از آنجا که در این مقاله می‌خواهیم چند حکایت از کتاب گلستان سعدی را با رویکرد نقشی و از دیدگاه فرانقش تجربی تحلیل کنیم، در ادامه، چگونگی بازنمود جهان از طریق فرانقش تجربی را بررسی می‌کنیم. فرآیندها با توجه به اینکه مهم‌ترین بخش معنای گزاره‌ای هستند، به چند دسته زیر تقسیم می‌شوند:

الف. فرآیندهای تجربی مادی که دارای عمل‌کننده (کنشگر)، فرآیند و هدف هستند و به همه افعال مادی و فیزیکی اختصاص دارند. برای مثال، در جمله‌های ۳ و ۴، فرآیندهای تجربی از نوع مادی وجود دارند:

۳. او لیوان را شکست.

۴. او چوب را اره کرد.

او: کنشگر چوب و لیوان: هدف فعل‌ها: فرآیندهای مادی

متهینس، ترویا و لم افعال مادی را به دو بخش «انجام دادن» و «اتفاق افتادن» تقسیم کرده‌اند (Matthiessen & et al, 2010: 315); بنابراین، فعل «سوختن» نوعی اتفاق افتادن است و «ساختن» نوعی انجام دادن.

ب. فرآیندهای تجربی ذهنی، شامل آنچه در دنیای ذهنی گوینده اتفاق می‌افتد؛ مانند خواستن، دیدن، دوست داشتن، فکر کردن و سایر فرآیندهای شناختی. در اینجا، فعل جمله بیانگر فرآیند ذهنی است و فرد حس‌کننده^{۱۵} و پدیده^{۱۶} حس‌شده نیز در این فرآیند تجربی دخیل هستند.

ج. فرآیندهای تجربی رابطه‌ای^{۱۷} که در آنها، رابطه‌ای میان دو عنصر جمله برقرار است. این رابطه را فعل جمله بیان می‌کند. فرآیندهای تجربی رابطه‌ای چهار نوع نسبی^{۱۸} (مثال ۵)، هویتی^{۱۹} (مثال ۶)،

موقعیتی^{۲۰} (مثال ۷) و ملکی^{۲۱} (مثال ۸) هستند.

۵. نان بیات است.

حمل‌کننده صفت فرآیند رابطه‌ای

۶. مریم خواهر ماست.

عنصر مشخص‌شده هویت فرآیند رابطه‌ای

۷. آشپزخانه پشت‌خانه بود.

حمل‌کننده صفت موقعیتی صفت موقعیتی فرآیند رابطه‌ای

۸. مریم موهای بلندی دارد.

مالک عنصر تحت‌تمک فرآیند رابطه‌ای

متهینس، ترویا و لم افعال «داشتن» و «بودن» را دو دسته مهم افعال رابطه‌ای می‌دانند (*Ibid*).

د. فرآیند تجربی کلامی که در آن، رابطه‌ای میان گوینده^{۲۲} و گفته‌شده^{۲۳} و دریافت‌کننده پیام^{۲۴}

موجود است و در افعال مربوط به گفتن و افعال کلامی تبلور می‌یابد.

۵. فرآیند تجربی رفتاری که با افعال بیانگر کنش رفتار بیان می‌شوند؛ افعالی چون خوردن، خندیدن،

نالیدن، فرار کردن و ... در اینجا، از آنجا که الگوی بات و لوکین (۲۰۰۹) مورد نظر بوده است و برای

جلوگیری از اطناب در تنظیم جدول‌ها، فرآیندهای وجودی را در زمره فرآیندهای رابطه‌ای محسوب

کرده‌ایم. در برخی از متون پژوهشی، همچون پژوهش امینی (۱۳۹۲) نیز از فرآیند وجودی به‌عنوان

فرآیندی فرعی در فرانش تجری یاد می‌شود.

پرسش‌ها و فرضیه‌ها

در این پژوهش، کوشیدیم که به پرسش‌های زیر پاسخ دهیم:

- در سبک‌شناسی حکایات مورد نظر که به‌طور اتفاقی انتخاب شده‌اند، چه عناصر زبانی برجسته

شده‌اند و از چه فرآیند تجربی در هر حکایت بیشتر استفاده شده است؟

- دلیل کاربرد آن فرانش در آن داستان چیست و آیا نوع فرانش تجربی با مضمون مطرح ارتباط

تنگاتنگ و نزدیک دارد؟

فرضیه این پژوهش این بوده است که مضامین مطرح در این حکایت با صورت زبانی به‌کاررفته در

آن‌ها ارتباط نزدیک دارند؛ به سخن دیگر، مضامین مورد نظر نویسنده در صورت زبانی برجسته‌سازی

شده‌اند.

روش گردآوری و تحلیل داده‌ها

یکی از مزایای تحلیل پیکره‌ای این است که شرایطی را فراهم می‌کند که با حداقل تلاش، مقادیر زیادی از

اطلاعات تحلیل شوند (باتیا و دیگران، ۲۰۰۸). در اینجا نیز با به‌کارگیری روش تحلیل پیکره‌ای که

بر مبنای تحلیل آماری داده‌های زبانی است، کوشیدیم که به سؤال‌های اصلی پژوهش پاسخ دهیم. بیکره زبانی مورد نظر این پژوهش شامل ۱۵ حکایت از گلستان است. سه حکایت نخست را از پنج باب ابتدایی این کتاب به‌طور تصادفی انتخاب و تعداد افعال نمایانگر فرآیندهای تجربی در هر حکایت را شمارش کردیم. بسامد هر زیرگروه از این فرآیندها را به‌صورت نسبی و درصدی اعلام نمودیم. آزمون آماری مناسب بررسی معنی‌داری این تفاوت‌ها، آزمون آماری مجذور کا (خی دو)^۴ است. به‌دلایل زیر، از آزمون آماری مجذور کا (خی دو) استفاده کرده‌ایم:

۱. پرسش پژوهش این است که آیا می‌توان از نوع و تعداد فرانش‌های تجربی مطرح در هر داستان به مضمون اصلی رسید؛ به سخن دیگر، شیوه برجسته‌سازی مضمون در این داستان‌ها از طریق فرانش‌ها به چه صورت است (ارتباط میان مضمون و انواع فرانش‌ها چگونه است که در آن حتماً به تحلیلی آماری نیاز است و باید محتوا و مضمون نیز به انواع و زیرشاخه‌هایی تقسیم شود). با این سؤال پژوهش، نوع فرانش‌ها به‌عنوان متغیر مستقل و مضمون به‌عنوان متغیر وابسته تعریف می‌شوند. آزمون‌های آماری نظیر مجذور کا باعث می‌شوند که اندازه‌گیری‌های اسمی امکان‌پذیر شوند (گرین و الیویرا، ۱۳۸۶: ۳۲). اندازه‌گیری‌های اسمی به این معنی است که متغیر وابسته کمی نیست و به هر دسته از ارقام و داده‌ها اسمی تعلق می‌گیرد.

۲. در آزمون‌های زیر، از آزمودنی‌هایی که در دو یا چند گروه مرتب و دسته‌بندی شده باشند و نیز میانگین عملکرد آن‌ها استفاده نشده است؛ بلکه بسامد رخداد و تعداد کاربرد هر فعل در نظر گرفته شده است. پیش‌تر به این نکته نیز اشاره شد که این نوع نمونه‌گیری را اندازه‌گیری اسمی می‌نامند.

۳. استفاده از آمار توصیفی، نه استنباطی به تناسب موضوع پژوهش ناقص و نارسا است و استناد به یافته‌های آن نیز غیرعلمی خواهد بود. با این روش به سؤال اصلی پژوهش که ارتباط نوع افعال با نوع مضمون مطرح در هر حکایت است، به‌طور عینی و با استفاده از مستندات آماری می‌توان پاسخ داد.

۴. تحلیل داده‌ها

در حکایت نخست از باب اول، داستانی مطرح می‌شود که در آن اشتباه کلامی یکی از اطرافیان پادشاه به‌طور عمدی به بخشش مجرمی از جانب پادشاه منجر می‌شود. هنگامی که یکی دیگر از اطرافیان به این دروغ اعتراض می‌کند، با برخورد پادشاه مواجه می‌شود؛ زیرا او معتقد است که دروغ مصلحت‌آمیز بهتر از راست فتنه‌انگیز است. برای روشن‌تر شدن سازکار نقشگرایی در تحلیل جملات، تحلیل نقشی سه جمله از این حکایت براساس اصول مطرح در دستور نقشگرایی نظام‌مند، به‌شکل زیر قابل طرح است:

پادشاهی را شنیدم که به کشتن اسیری اشارت کرد. بیچاره در حالت نومیدی به زبانی که داشت

[...]

شنیدیم: فرآیند ذهنی و حس‌کننده (شناسه «م» در شنیدیم) / [که به کشتن اسیری اشارت کرد]:

پدیده

اشارت کرد: فرآیند رفتاری / پادشاه: رفتارکننده

داشت: فرآیند رابطه‌ای / بیچاره: مالک / زبان: عنصر تحت‌تملک / در حالت نومیدی: افزوده موقعیتی

(قید)

برای جلوگیری از اطناپ، فرآیندهای تجربی دیگر را در قالب جدولی تنظیم کردیم.

جدول ۱ خلاصه‌ای از فرآیندهای تجربی موجود در حکایت ۱ از باب اول

تعداد	نمونه‌ها	نوع فرآیند
۰	-	مادی
۱۰	شنیدم، دست از ... شستن، ناامید شد (ترجمه فارسی یک فعل عربی)، خشم را فروخوردن، بر مردم بخشودن، رحمت در دل آمد، از سر ... درگذشت، دل در ... بست، تکیه به ... کردن، آهنگ کاری کردن	ذهنی
۱۱	نماند، نماند، داشت، دارد، پسندیده آمد (شد)، بود، نشاید، بود، به از ... (است)، حیف باشد	رابطه‌ای
۱۷	دشنام دادن گرفت، سقط گفتن (گرفت)، گفته‌اند، بگوید، دراز شدن زبان، می‌گوید، پرسید، گفت، همی‌گوید، گفت، دشنام داد، سقط گفت، گفت، گفتی، گفته‌اند، گوید، نگوید	کلامی
۶	اشارت کرد، حمله می‌کند، دست بگیرد، روی در هم کشید، پرورد، کشت	رفتاری

گفتنی است که افعالی که زیر آن‌ها خط کشیده شده، در متن به صورت افعال عربی به‌کار رفته‌اند و در اینجا، معنی فارسی آن‌ها در نظر گرفته شده است. البته باید این توضیح نیز داده شود که فعل «نماند» به معنی «وجود ندارد» به‌کار رفته است و نمونه‌ای از افعال رابطه‌ای محسوب می‌شود؛ همان‌گونه که تامپسون معادل انگلیسی این فعل را در طبقه افعال رابطه‌ای قرار داده است (Thompson, 1996: 80).

در این حکایت، در ۳۸/۶ درصد موارد افعال کلامی به‌کار رفته است. دلایل این امر را می‌توان این‌گونه خلاصه کرد: ۱. قالب داستان در شکل یک مکالمه شکل گرفته است و ۲. مضمون حکایت این است که گاهی دروغ مصلحت‌آمیز که خود رفتاری کلامی است، بهتر از راست فته‌انگیز است.

از تعداد بالای فرانش‌های کلامی نتیجه می‌گیریم که اهمیت کلام و گفتار برجسته‌سازی شده است، با مضمون مطرح در این حکایت ارتباط دارد که کلام می‌تواند ذهنیت و روابط را تغییر دهد و این تأثیر



و تأثر در تعداد افعال کلامی، ذهنی و رابطه‌ای مشخص شده است. فرآیندهای کلامی، رابطه‌ای و ذهنی بیشترین تعداد را به خود اختصاص داده‌اند و درمقابل فرانش‌های رفتاری و مادی قرار می‌گیرند که در حاشیه هستند.

از نظر آمار استنباطی، با توجه به مقدار کای به دست آمده ($X^2=11/68$)، رابطه‌ای میان نوع فرآیند (فعل) به‌کاررفته در داستان و مضمون داستان موجود است؛ به سخن دیگر، تفاوت معنی‌داری میان افعال و فرآیندهای کلامی با انواع دیگر فرآیندها دیده می‌شود و این نوع فرآیندها به‌طور معنی‌داری بیشتر از انواع دیگر به‌کار رفته‌اند. همچنین، با توجه به ارزش کای به دست آمده ($X^2=4/22$)، فرآیندهای کلامی به‌طور معنی‌داری بیشتر از فرآیندهای رابطه‌ای هستند؛ بنابراین، تفاوت میان افعال کلامی و رفتاری/ذهنی نیز معنی‌دار است.

در حکایت دوم، این مفهوم مطرح می‌شود که هیچ چیز، حتی ملک پادشاهان، پایدار نمی‌ماند؛ مگر نیکی انسان. نخست تحلیل نقشی سه جمله از این حکایت را انجام می‌دهیم:

یکی از ملوک خراسان محمود سبکتکین را به خواب چنان دید که جمله وجود او ریخته بود و خاک شده بود [...]]

به خواب دید: فرآیند ذهنی/ یکی از ملوک خراسان: حس‌کننده/ محمود سبکتکین: پدیده ریخته بود و خاک شده بود: فرآیندهای مادی/ وجود: هدف^{۲۶}/ جمله: افزوده قیدی

جدول ۲ خلاصه‌ای از فرآیندهای تجربی موجود در حکایت ۲ از باب اول

تعداد	نمونه‌ها	نوع فرآیند
۵	ریخته (شده) بود، می‌گریدید، خاک شده (بود)، دفن کرده‌اند، گذشت	مادی
۵	خواب دید، نظر می‌کرد، از ... فرو ماندند (تشخیص ندادن، نفهمیدن)، به‌جای آورد (تشخیص داد، فهمید)، غنیمت شمار	ذهنی
۷	(نگران) است، (با دگران) است، است، نشان نماند، نماند، نماند، نماند	رابطه‌ای
۱	گفت	کلامی
۴	دفن کرده‌اند، به خاک سپردند، بخورد، خیری کن	رفتاری

این مفهوم که در دنیا هیچ چیز نمی‌ماند و همه چیز درحال گذار، از بین رفتن و محکوم به فنا است، با تعداد زیادی از افعال رابطه‌ای بیان شده است که ۳۱/۸ درصد موارد فعلی را شامل می‌شوند. با توجه به مقدار کای به دست آمده ($X^2=5/2$)، فرآیندهای رابطه‌ای به‌طور معنی‌داری بیشتر از فرآیندهای دیگر به‌کار رفته‌اند. تفاوت دوبه‌دوی فرآیندهای رابطه‌ای و مادی/ذهنی، فارغ از تعداد کل فرآیندها، معنی‌دار

نیست؛ زیرا ارزش مقداری کای به دست آمده ($X^2=0/06$) است. در حکایت سوم از باب نخست، داستان ملکزاده‌ای مطرح می‌شود که با وجود ظاهر ناخوشایند و نامناسبش، با اعمال شجاعانه‌اش لیاقتش را نشان می‌دهد، ذهنیت پدر را عوض می‌کند و سرانجام اختیار امور را به دست می‌گیرد. تحلیل نقشی سه جمله از این حکایت به صورت زیر است:

ملکزاده‌ای را شنیدم که کوتاه بود و حقیر (بود) [...]

شنیدم: فرآیند ذهنی و حس‌کننده (شناسه «م» در شنیدم) / [که ملکزاده‌ای کوتاه بود و حقیر]: پدیده بود و (بود محذوف): فرآیندهای رابطه‌ای / ملکزاده: حمل‌کننده صفت^{۳۷} / کوتاه و حقیر: صفت

جدول ۳ خلاصه‌ای از فرآیندهای تجربی موجود در حکایت ۳ از باب اول

تعداد	نمونه‌ها	نوع فرآیند
۲	نگنجد، مردن	مادی
۲۰	شنیدم، شنیدی، نظر کرد، به جای آورد (دریافت و تشخیص داد)، بپسندیدند، برنجیدند، شنیدم، بینی، بینی، نمود (به نظر رسید)، نپنداری، آهنگ کاری کردن، شنیدم، نظر پیش کرد، کرد (انتخاب کرد در ولیعهد کرد)، حسد بردن، دیدن، دریافتن، آگهی دادند، معین کرد	ذهنی
۲۱	فتنه نشست (از بین رفت)، نزاع برخاست (به وجود آمد)، بود، بود (محذوف)، بودند (محذوف)، به از (بهرتر است)، است (محذوف در عبارت مهتر ...، است (محذوف در عبارت بهتر ...))، بود، است (محذوف در عبارت به ...، باشد، است، باشد، بود، باشم، منم، به کار آید (مناسب است و یک نمونه محذوف نیز دارد)، بود (یک نمونه محذوف نیز دارد)، گشت، شود، است	رابطه‌ای
۱۰	گفت، سخن نگفته باشد، گفت، بگفت، گفت، آورده‌اند، گفت، گفت، گفته‌اند	کلامی
۳۱	روی نمود (حمله کرد در عبارت دشمنی صعب روی نمود)، بخندید، روی در هم آوردند، جهانید، بازی می‌کند، جنگ آرد، بگریزد، بر سپاه دشمن زد، باز آمد، بینداخت، باز آمد، ببوسید، نعره زد، بکوشید، پوشید، حمله بردند، پیروز شد، ظفر یافتند، ببوسید، در کنار گرفت، زهر کردند، بر هم زد، دست از طعام باز کشید، جای ... را گرفت، آمد، بخواند، گوشمالی داد، بخسبند، خوردن، بذل کردن (بخشیدن مال)، بگیرد	رفتاری

در این حکایت، تعداد بالای افعال رفتاری (۳۷ درصد موارد) به منظور برجسته‌سازی اهمیت عملکرد فرد به کار رفته است؛ عملکردی که ممکن است نحوه نگرش دیگران و نیز روابط امور را در جهان تغییر

دهد و بر آن‌ها تأثیر بگذارد. این دقیقاً همان نکته‌ای است که مضمون اصلی داستان بر آن تأکید دارد. با توجه به مقدار کای به دست آمده ($X^2=13/5$)، تعداد بسامدی فرآیندهای رفتاری به‌طور معنی‌داری بیشتر از انواع دیگر فرآیندها است و فرضیه صفر رد می‌شود. با توجه به مقدار کای به دست آمده ($X^2=30/8$)، تفاوت میان افعال رفتاری و کلامی/مادی نیز معنی‌دار است؛ اما تفاوت میان فرآیندهای رفتاری و رابطه‌ای به دلیل مقدار کای به دست آمده ($X^2=0/1$) فاقد معنی است.

در اولین حکایت از باب دوم (اخلاق درویشان)، کسی از پارسایی می‌پرسد که درباره فردی چه نظری دارد و او جواب می‌دهد که در ظاهرش عیبی نمی‌بینم و غیبگو نیز نیستم که از باطنش مطلع باشم؛ پس بهتر است که درباره همه افراد تفکر مثبت داشته باشیم. تحلیل نقشی سه جمله از این حکایت به صورت زیر است:

یکی از بزرگان پارسایی را گفت: چه گویی در حق فلان عابد که دیگران در حق او به طعنه سخن‌ها گفته‌اند [...]

گفت: فرآیند کلامی/گوینده: یکی از بزرگان/دریافت‌کننده پیام: پارسایی/پیام: [چه گویی در حق فلان عابد که دیگران در حق او به طعنه سخن‌ها گفته‌اند]

گویی: فرآیند کلامی/گوینده: یکی از بزرگان/دریافت‌کننده پیام: پارسایی/پیام: چه/

گفته‌اند: فرآیند کلامی/گوینده: دیگران/پیام: سخن‌ها

در جدول ۴، فرآیندهای ذهنی بیشتر افعال را به خود اختصاص داده‌اند (۵۰ درصد موارد)؛ زیرا بیانگر نظر پارسا است و نظر او از طریق افعال ذهنی برجسته شده است.

جدول ۴ خلاصه‌ای از فرآیندهای تجربی در حکایت ۱ از باب دوم

تعداد	نمونه‌ها	نوع فرآیند
۰	-	مادی
۶	نمی‌بینم، نمی‌دانم، بینی، دان، انگار، ندانی	ذهنی
۲	چیست، چه کار (دارد)	رابطه‌ای
۴	گفت، گویی، گفته‌اند، گفت	کلامی
۰	-	رفتاری

با توجه به مقدار کای به دست آمده ($X^2=0/44$)، فرآیندهای ذهنی در این داستان به‌طور معنی‌داری بیشتر از انواع دیگر به‌کار نرفته‌اند و همچنین تفاوت میان فرآیندهای ذهنی و کلامی/رابطه‌ای نیز معنی‌دار نیستند که به ترتیب دارای ارزش کای $X^2=3/45$ و $X^2=0/88$ هستند.

در دومین حکایت از باب دوم، درویشی در کعبه در حال تقاضای استغفار و عفو از خداوند است و

معتقد است که سرمایه‌اش امید به رحمت و بخشش است، نه عبادت و طاعت. در این حکایت، شمار افعال ذهنی بیشتر از هر نوع دیگر است. تحلیل نقشی سه جمله از این حکایت به صورت زیر است:

درویشی را دیدم سر بر آستان کعبه نهاده و همی‌نالید که [...]

دیدم: فرآیند ذهنی و حس‌کننده (شناسه «م» در دیدم / درویشی سر بر آستان کعبه نهاده و همی‌نالید): پدیده

سر نهاده: فرآیند رفتاری / رفتارکننده: درویش

همی‌نالید: فرآیند رفتاری / رفتارکننده: درویش

جدول ۵ خلاصه‌ای از فرآیندهای تجربی در حکایت ۲ از باب دوم

تعداد	نمونه‌ها	نوع فرآیند
۰	-	مادی
۱۰	دانی، خواهند، خواهند، امید آورده‌ام، نه طاعت (آورده‌ام)، برآنم، جرم بخشی، دیدم، پذیرفتن، قلم کشیدن برگناه (به معنی بخشودن گناه)	ذهنی
۳	ندارم، اهل (سزاوار بودن)، فرمان نباشد	رابطه‌ای
۶	عذر آوردم، توبه کنند، استغفار کنند، فرمایی، همی‌گفت، می‌نگویم	کلامی
۹	سر بر ... نهاده، همی‌نالید، از ... چه آید (چه می‌کند)، آمده‌ام، آمده‌ام (محدوف)، چنان کن (اصنع)، کشی، روی و سر بر آستانم، می‌گریستی	رفتاری

تعداد بالای این افعال ذهنی (۳۶ درصد موارد) به برجسته‌سازی ذهنیت و نحوه نگرش درویش در مقابل خداوند کمک می‌کند و نشان می‌دهد که آنچه در ذهن و روانش می‌گذرد، برای او اهمیتی بیشتر از رفتار و کلام دارد. همچنین، با توجه به مقدار کای به دست آمده ($X^2=4/48$)، فرآیندهای ذهنی به‌طور معنی‌داری بیشتر از فرآیندهای دیگر به کار رفته‌اند و فرضیه صفر رد می‌شود. تفاوت افعال ذهنی و رفتاری فاقد معنی ($X^2=1/5$)، تفاوت فرآیندهای ذهنی و کلامی ($X^2=8/6$) و نیز ذهنی و رابطه‌ای ($X^2=4/1$) معنی‌دار هستند.

در حکایت سوم از باب دوم، نیایش و راز و نیاز عبدالقادر گیلانی با خداوند مطرح می‌شود. در این حکایت، مانند دو حکایت پیشین از باب دوم، درویش در حال بازگویی حالات درونی خویش با خداوند است و تقاضای عفو و بخشش او توسط تعداد بالای افعال ذهنی (۵۰ درصد موارد) درمقایسه با فرآیندهای تجربی دیگر، به برجسته‌سازی این فرآیند اختصاص دارد. تحلیل نقشی سه جمله از این حکایت به صورت زیر است:

عبدالقادر گیلانی را در حرم کعبه دیدم روی بر حصبا نهاده و همی‌گفت: [...]



دیدند: فرآیند ذهنی و حس‌کننده (شناسه «ند» در دیدند/ عبدالقادر گیلانی در حرم کعبه روی بر حسب‌نهاد: پدیده
روی‌نهاد: فرآیند رفتاری/ رفتارکننده: عبدالقادر گیلانی
همی‌گفت: فرآیند کلامی/ گوینده: عبدالقادر گیلانی/ پیام: جمله یا جملاتی که پس از آن می‌آیند.

جدول ۶ خلاصه‌ای از فرآیندهای تجربی موجود در حکایت ۳ از باب دوم

تعداد	نمونه‌ها	نوع فرآیند
۱	باد می‌آید	مادی
۶	رحمه الله علیه (خداوند او را ببخشاید)، دیدند، ببخشای، فراموش نکنم، یاد می‌آید، برانگیز	ذهنی
۲	مستوجب عقوبتم، شرمسار نشوم	رابطه‌ای
۲	همی‌گفت، می‌گویم	کلامی
۱	روی بر حسب‌نهاد	رفتاری

با توجه به مقدار کای به‌دست‌آمده ($X^2=3/74$)، فرآیندهای ذهنی در سطح اطمینان $0/10$ (نه $0/05$) که سطح اطمینان مورد نظر در سایر تحلیل‌ها بوده است)، تفاوت معنی‌داری با فرآیندهای دیگر دارد؛ اما تفاوت معنی‌داری میان فرآیندهای ذهنی و رابطه‌ای/ کلامی با توجه به کا ($X^2=0/88$) دیده نمی‌شود. در حکایت اول از باب سوم (در فضیلت قناعت)، نظر‌گذاری درباره‌ی علت وجود گدایان بیان می‌شود. او معتقد است که گدایان قناعت ندارند و اغتیا انصاف. به عقیده‌ی او، هیچ نعمتی بالاتر از قناعت نیست. او از طریق افعال رابطه‌ای (۵۶ درصد موارد)، جریان امور را آن‌گونه بیان می‌کند که تصور می‌کند واقعی است. تحلیل نقشی سه جمله از این حکایت به‌صورت زیر است:

خواهنده مغربی در صف بزازان حلب می‌گفت: ای خداوندان نعمت اگر شما را انصاف بودی و ما را قناعت (بودی) [...]

می‌گفت: فرآیند کلامی/ گوینده: خواهنده مغربی/ پیام: ای خداوندان نعمت اگر شما را انصاف بودی و ما را قناعت (بودی) ... دریافت‌کننده پیام: خداوندان نعمت/ در صف بزازان حلب: افزوده موقعیتی انصاف بودی (انصاف داشتید): فرآیند ذهنی/ حس‌کننده: شما

جدول ۷ خلاصه‌ای از فرآیندهای تجربی موجود در حکایت ۱ از باب سوم

تعداد	نمونه‌ها	نوع فرآیند
۰	-	مادی
۳	انصاف بودی (انصاف داشتن)، قناعت (قناعت داشتن محذوف)، توانگر گردان	ذهنی
۵	رسم ... از جهان برخاستی، نیست، است، نیست، نیست	رابطه‌ای
۱	می‌گفت	کلامی
۰	-	رفتاری

با توجه به مقدار کای به دست آمده ($\chi^2=0/32$)، فرآیندهای رابطه‌ای تفاوت معنی‌داری با فرآیندهای دیگر ندارند. همچنین، میان فرآیندهای رابطه‌ای و ذهنی ($\chi^2=0/17$) و فرآیندهای رابطه‌ای و کلامی ($\chi^2=2/8$) تفاوتی وجود ندارد.

در حکایت دوم از باب سوم، داستان دو امیرزاده مطرح می‌شود که یکی تحصیل علم کرده و دیگری به اندوختن ثروت مشغول شده است. امیرزاده تحصیل کرده در پاسخ سرزنش برادرش که معتقد بود که او فقیر مانده است، تفکر خود و ذهنیت و نگرش خود درباره علم را بیان می‌کند و معتقد است که علم‌آموزی میراث پیامبران و زراندوزی میراث فرعون است و به این دلیل شکرگزار است. این شیوه تفکر با برجسته‌سازی افعال ذهنی (۳۵ درصد موارد) در داستان تجلی می‌یابد. تحلیل نقشی سه جمله از این حکایت به صورت زیر است:

دو امیرزاده در مصر بودند: یکی علم آموخت و دیگری مال اندوخت [...]

بودند: فرآیند رابطه‌ای / دو امیرزاده: حمل‌کننده‌های صفت / در مصر: صفت موقعیتی

آموخت: فرآیند ذهنی / حس‌کننده: یکی / پدیده: علم

اندوخت: فرآیند رفتاری / رفتارکننده: آن دیگری

جدول ۸ خلاصه‌ای از فرآیندهای تجربی موجود در حکایت ۲ از باب سوم

تعداد	نمونه‌ها	نوع فرآیند
۱	رسیدم	مادی
۶	آموخت، نظر کرد، شکر کردن باید، یافتم، یافتی (فعل محذوف)، شکر نعمت گزارم	ذهنی
۵	بودند، گشت، شد، در مسکنت بمانده است، ندارم	رابطه‌ای
۲	گفت، گفت	کلامی
۳	اندوخت، بنالند، بمالند	رفتاری



با توجه به مقدار کای به‌دست‌آمده ($X^2=2/29$)، فرآیندهای ذهنی تفاوت معنی‌داری با فرآیندهای دیگر ندارند. میان فرآیندهای ذهنی و رابطه‌ای ($X^2=0/029$) نیز تفاوتی نیست.

در حکایت سوم از باب سوم، داستان درویشی مطرح می‌شود که با وجود فقر، به آنچه دارد قناعت می‌کند؛ زیرا فکر می‌کند که آنچه دارد و جریان عادی امور، از بردن حاجت نزد دیگران بهتر است. در واقع او آنچه هست و قناعت را بر کارهای دیگر ترجیح می‌دهد. ترجیحات ذهنی او با افعال ذهنی بیان می‌شوند (با ۳۸ درصد موارد فعلی) و پذیرفتن جریان عادی امور با افعال رابطه‌ای که تعداد زیادی (با ۳۳ درصد موارد فعلی) در حکایت دارند. تحلیل نقشی سه جمله از این حکایت به‌صورت زیر است:

درویشی را شنیدم که در آتش فاقه می‌سوخت و خرقة بر خرقة می‌دوخت [...]

شنیدم: فرآیند ذهنی و حس‌کننده (شناسه «م» در شنیدم) / [که درویشی در آتش فاقه می‌سوخت و خرقة بر خرقة می‌دوخت]: پدیده

می‌سوخت: فرآیند مادی

می‌دوخت: فرآیند رفتاری / رفتارکننده: درویشی

جدول ۹ خلاصه‌ای از فرآیندهای تجربی موجود در حکایت ۳ از باب سوم

تعداد	نمونه‌ها	نوع فرآیند
۱	می‌سوخت	مادی
۸	شنیدم، تسکین می‌کرد، قناعت کنیم، بر در دل‌ها نشسته است (برای خوشحال کردن دیگران آماده است)، میان به خدمت ... بسته (برای خدمت آماده است)، مطلع گردد، منت دارد، غنیمت شمارد	ذهنی
۷	به (است از)، دارد، دارد (محدوف)، خاموش (باش محذوف)، به (است از)، به (است از)، است	رابطه‌ای
۳	گفت، گفتش، گفت	کلامی
۲	می‌دوخت، نیشست	رفتاری

با توجه به مقدار کای به‌دست‌آمده ($X^2=2/52$)، فرآیندهای ذهنی تفاوت معنی‌داری با فرآیندهای دیگر ندارند. تفاوت آن‌ها با فرآیندهای کلامی و رفتاری معنی‌دار ($X^2=3/2$) است. افعال ذهنی و رابطه‌ای تفاوت معنی‌داری ندارند ($X^2=0/11$).

در اولین حکایت از باب چهارم (در فواید خاموشی)، سعدی خطاب به یکی از دوستان، دلیل امتناع از سخن گفتن نزد دیگران را این می‌داند که دشمن هر چیز را به بدترین وجه تعبیر می‌کند و می‌بیند. در این حکایت، نحوه برداشت دشمنان از هنر و حسن دیگران با برجسته‌سازی نگرش آن‌ها از طریق تعداد

بالای افعال ذهنی و رابطه‌ای (هر دو ۳۸ درصد موارد)، بیان می‌شود؛ افعال ذهنی تا تعبیر و برداشت دشمنان را نشان دهد و افعال رابطه‌ای تا تعبیر آن‌ها را از آنچه هست نشان دهد. تحلیل نقشی سه جمله از این حکایت به صورت زیر است:

یکی از دوستان را گفتم امتناع سخن گفتمم به علت آن اختیار افتاده است که غالب اوقات در نیک و بد اتفاق افتد [...]

گفتم: فرآیند کلامی / گوینده: «م» در گفتم / پیام: امتناع سخن گفتمم به علت آن اختیار افتاده است که غالب اوقات در نیک و بد اتفاق افتد [...] / دریافت‌کننده پیام: یکی از دوستان / اختیار افتاده است: فرآیند ذهنی / حس‌کننده: شناسه «م» در سخن گفتمم / پدیده: امتناع سخن گفتمم

اتفاق افتد (سوءتفاهم پیش می‌آید): فرآیند ذهنی / حس‌کننده: محذوف / غالب اوقات: افزوده موقعیتی

جدول ۱۰ خلاصه‌ای از فرآیندهای تجربی موجود در حکایت ۱ از باب چهارم

تعداد	نمونه‌ها	نوع فرآیند
۰	-	مادی
۵	اتفاق افتد (سوءتفاهم پیش می‌آید)، اختیار افتاده است، دیده جز بر بدی نمی‌آید، نبیند، ویلمزه (بر او عیب بگیرد)	ذهنی
۵	به (است)، است، است، باشد	رابطه‌ای
۲	گفتم، گفت	کلامی
۱	لایمر (نمی‌گذرد)	رفتاری

با توجه به مقدار کای به دست آمده ($X^2=0/44$)، فرآیندهای ذهنی با فرآیندهای دیگر تفاوت معنی‌داری ندارند. تفاوت آن‌ها با فرآیندهای کلامی نیز معنی‌دار ($X^2=0/63$) نیست.

در دومین حکایت از باب چهارم نیز بر این نکته تأکید می‌شد که نباید از ضرر و زیان خود با دشمن چیزی در میان گذاشت؛ زیرا درد دو برابر می‌شود؛ یکی درد ضرر و زیان و دیگری سرزنش دیگران. در این حکایت، نصیحت بازرگانی به فرزندش و سؤال و جواب آن دو با یکدیگر با تعداد بیشتری از افعال کلامی (۵۰ درصد موارد) بیان می‌شود. افعال کلامی بر این نکته تأکید می‌کنند که چیزی گفته نشود. این نوع از افعال نصیحت بازرگان را به فرزندش برجسته می‌کنند. تحلیل نقشی سه جمله از این حکایت به صورت زیر است:

بازرگانی را هزار دینار خسارت افتاد. پسر را گفت: باید که این سخن با هیچ‌کس در میان نهدی [...]

خسارت افتاد: فرآیند مادی / هدف: هزار دینار

گفت: فرآیند کلامی / گوینده: بازرگان / پیام: باید که این سخن با هیچ‌کس در میان نهدی / ...



دریافت‌کننده پیام: پسر

درمیان ننه‌ی: فرآیند کلامی / گوینده: بازرگان / پیام: این سخن / دریافت‌کننده پیام: پسر (شناسه «ی»
در ننه‌ی) / مقصد پیام: هیچ‌کس

جدول ۱۱ خلاصه‌ای از فرآیندهای تجربی موجود در حکایت ۲ از باب چهارم

تعداد	نمونه‌ها	نوع فرآیند
۱	خسارت افتاد	مادی
۱	بدانم	ذهنی
۳	فرمان تو راست (اختیار داشتن)، است، نشود	رابطه‌ای
۵	گفت، با کسی درمیان ننه‌ی، گفت، مگوی، گویند	کلامی
۰	-	رفتاری

با توجه به مقدار کای به دست آمده ($X^2=۰/۴۷$)، فرآیندهای کلامی با فرآیندهای دیگر تفاوت معنی‌داری ندارند. تفاوت آن‌ها با فرآیندهای رابطه‌ای نیز معنی‌دار ($X^2=۰/۱۷$) نیست؛ اما میان فرآیندهای کلامی و مادی / ذهنی ($X^2=۴/۸$) تفاوت معنی‌دار وجود دارد.

سومین حکایت از باب چهارم، داستان جوانی خردمند و باسواد است که در محافل دانشمندان از صحبت خودداری می‌کند. او در پاسخ سؤال پدرش به‌منظور دریافت دلیل امتناع، می‌گوید که می‌ترسد از چیزهایی از او سؤال شود که او نمی‌داند. در این حکایت، ترس جوان از نداشتن پاسخ پرسش دیگران با افعال ذهنی (۳۱ درصد موارد) و سخن نگفتن او و تأکید پدرش بر سخن گفتن او با افعال کلامی (۳۱ درصد موارد) برجسته شده‌اند. تحلیل نقشی سه جمله از این حکایت به‌صورت زیر است:

جوانی خردمند از فنون فضایل حظی وافر داشت و طبعی نافر (داشت) چندان که در محافل دانشمندان نشستی، سخن نگفتی [...]

داشت: فرآیند رابطه‌ای / مالک: جوانی خردمند / عنصر تحت تملک: فنون فضایل، طبعی نافر

نشستی: فرآیند رفتاری / رفتارکننده: جوانی

نگفتی: فرآیند کلامی / گوینده: جوانی / پیام: سخن / دریافت‌کننده پیام: نامشخص

جدول ۱۲ خلاصه‌ای از فرآیندهای تجربی موجود در حکایت ۳ از باب چهارم

تعداد	نمونه‌ها	نوع فرآیند
۰	-	مادی
۵	دانی، ترسم، ندانم، شرمساری برم، شنیدی	ذهنی
۲	داشت، داشت (محدوف)	رابطه‌ای
۵	سخن نگفتی، گفت، بگوی، گفت، پرسندم	کلامی
۴	نشستی، می‌کوفت، گرفت، بند	رفتاری

با توجه به مقدار کای به دست آمده ($X^2=0/42$)، فرآیندهای کلامی/ذهنی با فرآیندهای دیگر تفاوت معنی‌داری ندارند. آن‌ها با فرآیندهای رفتاری ($X^2=0/03$) و رابطه‌ای ($X^2=0/63$) نیز تفاوت معنی‌داری ندارند.

در داستان نخست از باب پنجم (در عشق و جوانی)، نویسنده معتقد است که آنچه بر دل می‌نشیند، در دیده هم نیکو به نظر می‌آید. او این مضمون را حقیقتی رایج در جهان انسانی می‌یابد و روزمرگی، عادی بودن و واقعیت آن را با افعال رابطه‌ای بیان می‌کند؛ به سخن دیگر، این مضمون رایج و عمومی با تعداد بالایی از افعال رابطه‌ای برجسته می‌شود (۴۷ درصد موارد). تحلیل نقشی سه جمله از این حکایت به صورت زیر است:

حسن میمندی را گفتند: سلطان محمود چندین بنده صاحب‌جمال دارد که هریک بدیع جهانی‌اند [...] گفتند: فرآیند کلامی/گوینده: نامشخص و محدوف/پیام: [سلطان محمود چندین بنده صاحب‌جمال دارد که هریک بدیع جهانی‌اند ... / دریافت‌کننده پیام: حسن میمندی دارد: فرآیند رابطه‌ای/مالک: سلطان محمود/عناصر تحت‌تملک: چندین بنده صاحب‌جمال/اند (هستند): فرآیند رابطه‌ای/حمل‌کننده صفت: هریک/صفت: بدیع جهانی

جدول ۱۳ خلاصه‌ای از فرآیندهای تجربی موجود در حکایت ۱ از باب پنجم

تعداد	نمونه‌ها	نوع فرآیند
۰	-	مادی
۷	نماید (نکو نماید)، نگاه کند، نگه کنی، در دل فرود آید، بیندازد، ننازد، نماید	ذهنی
۱۰	دارد، بدیع جهانی‌اند، ندارد، دارد (محدوف)، ندارد، باشد، باشد، اوست، طاعت است، دوست (است محدوف)	رابطه‌ای
۲	گفتند، گفت	کلامی
۲	کند، نشان دهد	رفتاری



با توجه به مقدار کای به دست آمده ($X^2=2/72$)، فرآیندهای رابطه‌ای با فرآیندهای دیگر تفاوت معنی‌داری دارند. فرآیندهای رابطه‌ای با فرآیندهای ذهنی ($X^2=0/63$) نیز تفاوت معنی‌دار ندارند. در حکایت دوم نیز سعدی تقریباً مضمونی مشابه را بیان می‌کند. در این داستان، خواجه‌ای از بی‌ادبی بنده‌ای که دل در گرو او دارد، شکایت می‌کند و از دوستش این‌گونه نصیحت می‌شنود که هنگامی که عاشق و معشوقی در میان می‌آید، مالک و مملوکی از بین می‌رود. سعدی این مضمون را به‌گونه‌ای با افعال رابطه‌ای (۳۵ درصد موارد) برجسته می‌کند که گویی واقعیتی یگانه، مطلق و ساری است که در همه جا اثبات می‌شود. تعداد بالای افعال کلامی (۳۵ درصد موارد) هم به دلیل قالب مکالمه‌ای است که داستان در آن شکل می‌گیرد. تحلیل نقشی سه جمله از این حکایت به صورت زیر است:

گویند خواجه‌ای را بنده‌ای نادرالحسن بود و با وی به سبیل مودت و دیانت نظری داشت [...] / گویند: فرآیند کلامی / گوینده: نامشخص و محذوف / پیام: [خواجه‌ای را بنده‌ای نادرالحسن بود و با وی به سبیل مودت و دیانت نظری داشت]

بود (داشت): فرآیند رابطه‌ای / مالک: خواجه / عنصر تحت‌تملک: بنده‌ای / نظری داشت: فرآیند ذهنی / حس‌کننده: خواجه‌ای / پدیده: وی / افزوده موقعیتی: به سبیل مودت و دیانت

جدول ۱۴ خلاصه‌ای از فرآیندهای تجربی موجود در حکایت ۲ از باب پنجم

تعداد	نمونه‌ها	نوع فرآیند
۰	-	مادی
۳	نظر داشت، توقع خدمت مدار، ناز کشد	ذهنی
۵	بود (داشت)، دارد، نبودی، در میان آمد، از میان برخاست	رابطه‌ای
۵	گویند، گفت، گفت، اقرار دوستی کردی، حکم کند	کلامی
۱	درآمد (به بازی و خنده)	رفتاری

با توجه به مقدار کای به دست آمده ($X^2=1/05$)، فرآیندهای رابطه‌ای / کلامی با فرآیندهای دیگر تفاوت معنی‌داری ندارند. آن‌ها با فرآیندهای ذهنی ($X^2=0/17$) نیز تفاوت معنی‌داری ندارند؛ اما تفاوت فرآیندهای رابطه‌ای / کلامی و رفتاری ($X^2=4/8$) معنی‌دار است.

در داستان سوم از باب پنجم، از پارسایی عاشق‌پیشه پرسیده می‌شود که چرا با وجود سختی و دشواری عشق، باز هم به رنج خود ادامه می‌دهد و او در پاسخ می‌گوید که عشق اختیار را از آدمی سلب می‌کند و همه چیز را تحت‌الشعاع خود قرار می‌دهد. در این حکایت، مانند دو حکایت پیشین، حالت ذهنی عاشق و آنچه بر او می‌گذرد، با تعداد بالایی از افعال رابطه‌ای نشان داده می‌شود؛ گویی که حکمی است پایدار، همیشه درست، حقیقی و انکار‌نشدنی. این افعال رابطه‌ای در ۲۸ درصد موارد، رابطه میان

عاشق و خودش یا عاشق و معشوق را بیان می‌کنند. افعال ذهنی در ۲۸ درصد موارد، بیانگر احساس عاشق و نگرش او هستند. تحلیل نقشی سه جمله از این حکایت به صورت زیر است:

پارسایی را دیدم به صحبت شخصی گرفتار (بود)، نه طاقت صبر (داشت) و نه یارای گفتار [...] دیدم: فرآیند ذهنی و حس‌کننده (شناسه «م» در دیدم / [پارسائی]: پدیده (داشت): فرآیند رابطه‌ای / مالک: پارسایی / عنصر تحت‌تملک: صبر (بود محذوف): فرآیند رابطه‌ای / پارسایی: حمل‌کننده صفت / گرفتار: صفت

جدول ۱۵ خلاصه‌ای از فرآیندهای تجربی موجود در حکایت ۳ از باب پنجم

تعداد	نمونه‌ها	نوع فرآیند
۲	زید، نماد (قوت تقوی از بین رفت)	مادی
۶	دیدم، ملامت دیدی، غرامت کشیدی، ترک نگفتی (عشق را)، کوتاه نکم ز دامن دست (دست کشیدن از چیزی)، ملامتش کردم	ذهنی
۶	گرفتار (است)، نه طاقت صبر (دارد)، نه یارای گفتار (دارد)، نیست، غالب آمد (شد)، چه رسید (شد)	رابطه‌ای
۲	گفتی، گفت	کلامی
۵	بزنی، گریزم، گریزم، آمد، او فتاده	رفتاری

با توجه به مقدار کای به دست آمده ($\chi^2=3/6$)، در سطح اطمینان ۰/۱۰ فرآیندهای رابطه‌ای/ذهنی با فرآیندهای دیگر تفاوت معنی‌داری دارند و به طور معنی‌داری بیشتر به کار رفته‌اند. آن‌ها با فرآیندهای رفتاری ($\chi^2=0/20$) و کلامی ($\chi^2=2/6$) نیز تفاوت معنی‌داری ندارند.

۵. خلاصه و نتیجه‌گیری

سمینو سبک‌شناسی را رابطه میان انتخاب‌های زبان، بافت‌ها و تأثیرات آن‌ها بر مخاطب می‌داند (Semino, 2011: 541). مارتین (۲۰۰۲) معتقد است که معنی متن را بافت موقعیتی، فرهنگی و فرانش‌ها می‌سازند. چنانکه در بخش آمار توصیفی از تحلیل بسامدی افعال موجود در هر حکایت دریافتیم، رابطه‌ای تنگاتنگ و نزدیک میان نوع مضمون در هر داستان و نوع افعال به‌کاررفته وجود دارد و فرضیه پژوهش ثابت می‌شود. در سه حکایت نخست از باب اول، بسته به نوع مضمون هر حکایت، افعال کلامی، مادی و رفتاری برجسته شده‌اند. در سه حکایت از باب دوم، تنها افعال ذهنی برجسته شده‌اند تا نحوه نگرش و بینش درویشان مشخص شود. در سه داستان نخست از باب‌های سوم،



چهارم و پنجم، افعال رابطه‌ای بسامد وقوع بالا دارند تا از واقعیت‌های موجود و آنچه در جهان انسانی رخ می‌دهد، سخن گفته شود.

در بخش آمار استنباطی و هنگام بررسی معنی‌داری تفاوت میان این بسامدها این نتیجه حاصل شده است که تفاوت‌های معنی‌دار میان فرآیندها تنها زمانی مشهود است که حکایت دارای فعل بیشتر و به سخن دیگر طولانی‌تر است؛ نظیر حکایات مربوط به جدول‌های ۱، ۲، ۳ و ۵ که به ترتیب دارای تعداد کلی ۲۸، ۸۴ و ۲۲ و ۴۴ فعل هستند. در جدول‌های دیگر که به حکایت‌های کوتاه‌تر مربوط هستند و در نتیجه افعال کمتری دارند، تفاوت‌های معنی‌دار میان انواع فرآیندها کمتر دیده می‌شود؛ بنابراین، با اینکه میان بسامد افعال (فرآیندها) و مضمون ارتباط وجود دارد، این تفاوت بسامدی الزاماً به تفاوت معنی‌دار منجر نمی‌شود. در حکایت‌های کوتاه‌تر که تعداد کلی افعال آن‌ها کمتر است، تفاوت اعداد و ارقام حاصل از شمارش بسامدها نیز کمتر و اعداد به هم نزدیک‌تر هستند که این باعث از میان رفتن تفاوت‌های معنی‌دار می‌شود. اگر بخواهیم از نظر آماری به‌طور قطع چنین ارتباطی را موجود بدانیم، بی‌شک باید تعداد بیشتری از حکایات را بررسی کنیم. در گستره پژوهش حاضر و با استناد به پیکره داده‌ای این تحقیق، چنین ارتباطی میان نوع فعل و مضمون از حیث بسامدی موجود است؛ اما از نظر اهمیت آماری و معنی‌داری، ممکن است که چنین ارتباطی موجود باشد و یا نباشد. به سخن کوتاه‌تر می‌توانیم بگوییم که آمار توصیفی و بسامد درصدی فرآیندها فرضیه پژوهش را به‌طور قطع ثابت می‌کنند؛ اما آمار استنباطی الزاماً این کار را نمی‌کنند؛ زیرا در مورد برخی از حکایات (هنگامی که حکایات کوتاه هستند و تعداد افعال و تفاوت بسامد رخداد افعال کم است) این فرضیه رد و در مورد برخی دیگر (هنگامی که حکایات طولانی‌تر هستند و تعداد افعال و تفاوت بسامد رخداد افعال زیاد است) ثابت می‌شود. به‌طور کلی، در این حکایت‌ها، بنابر نوع مضمون، افعال مرتبط با مضمون از نظر بسامدی برجسته‌تر هستند. این برجستگی الزاماً معنی‌دار نیست و این احتمال وجود دارد که برجستگی آن‌ها فاقد معنی باشد؛ چنانکه در بیشتر موارد، در تحلیل معنی‌داری اعداد و ارقام جدول‌ها دیدیم.

۶. پی‌نوشت‌ها

1. Systemic Functional linguistics
2. Form
3. Paradigmatic set of choices
4. Inheritors
5. Golding
6. Old Mrs. Grey
7. Virginia Woolf
8. Fairy tale
9. Metafunction
10. Experiential

11. Interpersonal
12. Textual
13. Form
14. Function
15. Sensor
16. Phenomenon
17. Relational
18. Attributive
19. Identifying
20. Circumstance
21. Possessive
22. Sayer
23. Verbiage
24. Receiver
25. Chi-square
26. Goal
27. Attributor

۷. منابع

- آقاگل‌زاده، فردوس (۱۳۸۴). «کاربرد آموزه‌های زبان‌شناسی نقشگرا در تجزیه و تحلیل متون ادبی». *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد*. ش ۱۴۹. ص ۲۲۱.
- آقاگل‌زاده، فردوس؛ زعفرانلو کامبوزیا، عالیه و حسین رضویان (۱۳۹۰). «سبک‌شناسی داستان براساس فعل: رویکرد نقشگرا». *بهار ادب*. س ۴. ش ۱۱. صص ۲۴۳-۲۵۴.
- امینی، رضا (۱۳۹۲). «تحولات معنایی و ساخت اطلاع «آغازگرهای اسنادی‌شده» در فرآیند ترجمه از انگلیسی به فارسی در چارچوب دستور نقشگرای نظام‌مند هالیدی». *دوماهنامه جستارهای زبانی*. د ۴. ش ۴ (پیاپی ۱۶). صص ۱-۲۹.
- حاجی‌علی‌لو، حسین (۱۳۹۰). «بررسی ساختار حکایت‌های گلستان سعدی». *پژوهش‌های نقد ادبی و سبک‌شناسی*. ش ۳. صص ۹-۲۶.
- فلاحی، محمدهادی؛ توکلی، نسترن و سیامک صاحبی (۱۳۸۹). «بررسی و نقد روایی گلستان براساس نظریه تحلیل گفتمان انتقادی». *پژوهش زبان و ادبیات فارسی*. ش ۱۶. صص ۱۰۹-۱۳۴.
- گرین، جودیت و مانویلا دی الیویرا. (۱۳۸۶). *کاربرد آزمون‌های آماری در پژوهش‌های علوم رفتاری*. ترجمه علی دلاور و مهرداد پژهان. تهران: ارسباران.
- مهاجر، مهران و محمد نبوی (۱۳۷۶الف). «از زبان تا شعر: درآمدی بر زبان‌شناسی سازگانی نقشگرا و کاربرد آن در خوانش شعر». *مجموعه مقالات سومین کنفرانس زبان‌شناسی*. به‌کوشش یحیی مدرسی و محمد دبیر مقدم. انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی و پژوهشگاه علوم انسانی و

مطالعات فرهنگی. صص ۶۹-۸۱.

- ----- (۱۳۷۶ ب). *به سوی زبان‌شناسی شعر، رهیافتی نقشگر.* تهران: نشر مرکز.
- نبی‌لو، علیرضا (۱۳۹۱). «بررسی و تحلیل نی‌نامه سروده مولوی برمبنای زبان‌شناسی نقشگرایی سازگانی». *پژوهش‌های زبان‌شناختی در زبان‌های خارجی*. د ۲. ش ۱. صص ۱۱۱-۱۲۹.
- نظری، جلیل؛ الهی‌زاده، صغری و خسرو رضانی (۱۳۹۱). «نقد روان‌شناختی گلستان سعدی». *پژوهش‌نامه ادبیات و زبان‌شناسی*. دانشگاه آزاد فیروزآباد. س ۱. ش ۱. صص ۱۴۱-۱۶۰.

References:

- Bhatia, V.; J. Flowerdrew & R. H. Jones (2008). "Approaches to discourse analysis". *Advances in Discourse Studies*. London: Routledge
- Birch, D. & L. M. O 'Toole (eds.). (1988). *Functions of Style*. London: Pinter.
- Bloor, T, & M. Bloor (2004). *The Functional Analysis of English*. London: Arnold.
- Butt, D. G, & A. Lukin (2009). "Stylistic analysis: Construing aesthetic organization. In M. A. K. Halliday and D. Webster" (eds.). *Continuum Companion to Systemic Functional Linguistics*. New York: Continuum.
- Cummings, M. & R. Simons (1983). *The Language of Literature*. Oxford: Pengamon Press.
- Firth, J. R. (1957). *Papers in Linguistics. 1934-1951*. London: Oxford University Press.
- Gunanan, B. T. (2001). "Using Transitivity as a Framework in Stylistics Analysis of Virginia Woolf's Old Mrs. Grey". *Asian EFL Journal*. Professional Teaching rticles Vol.54. PP 79- 96.
- Halliday, M.A. K. (1971). "Linguistic function and literary style: An enquiry into the language of William Golding's the inheritors". *Explorations in the Function of Language*. London: Edward Arnold.
- ----- (1972). "Options and functions in English clause". In Hausholder, F. W. (ed.). *Systemic Theory I: Structuralist*. Harmondworth: Pengamon.
- ----- . (1994). *An Introduction to Functional Grammar*. London: Edward Arnold.
- ----- & R. Hassan (1976). *Cohesion in English*. London: Longman.

- ----- (1985). *Language, Context, and Text: Aspects of Language in Social Semiotic Perspective*. Geelong, Vic: Deakin University Press. Republished in. Oxford University
- Hamel, S. C. (2011). *Semiotics, Theory and Applications*. New York: Norva Science Publishers.
- Leech, G. N. (1969). *A Linguistic Guide to English Poetry*. London: Longman.
- ----- & M. Short (1981). *Style in Fiction*. London: Longman.
- Martin, J. (2002). "Meaning Beyond the Clause: SFL Perspectives". *Annual Review of Applied Linguistic*. 22. Pp. 55-74.
- Matthiessen, M. I. M.; K. Teruya & M. Lam. (2010). *Key Terms in Systemic Functional Linguistics*. New York: Continnum.
- Richards, I. A. (1929). *Practical Criticism*. London: Routledge and Kegan Paul.
- Semino, E. (2011). Stylistics. In Simpson, J. (ed.). *The Routledge Handbook of Applied Linguistics*. London: Routledge.
- Thompson, J. (1996). *Introducing Functional Grammar*. London: Arnold.
- Aghagolzadeh, F. (2005). "The application of functional linguistics in literary analysis". *Journal of Humanities Mashhad University of Ferdowsi*. No. 149. Pp. 221 [In Persian].
- Aghagolzadeh, F.; A. Kord Zaferanlou, & H. Razavian (2011). "Story stylistics based on verb: Functional approach". *Bahare Adab*. No. 11. Pp. 243-254 [In Persian].
- Amini, R. (2013). Meaning change and information structure of topicalized items in translation from english into farsi: A functional approach. *Language Related Research*. No. 4. Pp.1-29 [In Persian].
- Haji Ali Lu, H. (2011). "Investigation of Sadi's Golestan proses". *Investigation of Stylistics and Literary Criticism*. No. 3. Pp. 9-26 [In Persian].
- Falahi, M. H.; N. Tavakoli & S. Sahebi (2010). "Investigation and criticism of Golestan narration based on critical discourse analysis". *Investigation of Farsi Language and Literature*. No. 16. Pp.109-134 [In Persian].
- Green, J. & M. Eliviera (2007). *The Application of Statistical Tests on the Investigation of Behavioral Sciences*. Translated by: A. Delavar and M. Pejhan Tehran: Arasbaran. [In Persian].



- Mohajer, M. & M. Nabavi (1997a). "From language to poetry. In M. Dabir Moghadam and Y. Modaresi (eds.). *The third linguistics Conference Collection of Papers*. Tehran: Allameh Tabatabaai University [In Persian].
- Mohajer, M. & M. Nabavi (1997b). *Towards the Linguistics of Poetry: Functional Approach*. Tehran: Markaz Publication [In Persian].
- Nabilu, A. (2012). "Investigation and Analysis of Ney Nameh based on Functional linguistics". *Linguistic Investigations in Foreign Languages*. No. 1.Pp. 111-129 [In Persian].
- Nazri, J. S. Elahizadeh & Kh. Ramezani (2012). "Psychological Criticism of Sadi's Golestan". *Investigation of Farsi Language and Literature*. No. 1 Pp.141-160 [In Persian].